

## خدا را سپاس که ما ایرانی هستیم...

من دست به قلم برداشته می نویسم. می نویسم از حقایق، از درد دلم ... درد دل میکنم برای دوستانم که همگان بخوانند و بدانند و در تاریخ بماند. من می نویسم چون وظیفه میهنی من است که اندیشه هایم را با هم میهنانم در میان بگذارم. قلبم پر از غم و چشمانم مالا مال از اشک است. وقتی که میبینم، میشنوم و یا میخوانم که در دیار غربت همه ما ایرانیان به جای اینکه دست به دست هم داده ایران و ایرانی را پا بر جا کنیم، در صدد تاخت و تاز کردن برآمده، دوگانگی، سه گانگی و چندین گانگی ایجاد میکنیم. دسته بندی را تشویق میکنیم و به جای اینکه اصالت فرهنگ پر بار میهن خود را با همدستی و یگانگی بر جهانیان بشناسیم، در صدد هستیم با تازیانه شرم ایران و ایرانی را بکوبیم.

با احترام منظور و نظر بنده در آن است که بهتر است همگیمان بر خیزیم، استوار فکر کنیم، عاقلانه مواظب باشیم، با گفته ها و اندیشه هایمان آتش بر احساسات گروه های مختلف نزنیم بلکه با استدلال و دانش به دانستنی ها، وقایع روشن و علنی فرهنگی، اجتماعی و انفرادی تاریخی و سیاسی ایران را بررسی کنیم و در صدد حل مشکلات باشیم نه اینکه مشکل روی مشکلاتمان اضافه کنیم. مردم بیایید تا وقت هست دست به دست داده یگانگی کنیم و افتخاراتمان را به جهانیان نشان دهیم.

پدر مرحوم بنده پزشک شریف و پرکار بود که عمرش را با خلوص نیت و عرق پیشانی ریختن در خدمتگزاری مردم ایران سپری و داریی اش را هم وقف ساختن بیمارستان برای عموم نه برای گروه بخصوصی کرد. پدر بزرگ و پدر پدر بزرگ بنده هم بر همان شکل مدرسه ها، بیمارستان ها را بنا نمودند. شاید به همان دلیل است که بنده امروز با غرور و افتخار میگویم ایران نهادگاه من است. میهن من است. افتخار من است. من باید از ناروایی ها و دشمنی هایی که به او میشود جلوگیری کنم.

اجداد ما با زحمات خود حق زیست در آن اب و خاک را بر خود روا داشته و به ما منتقل کرده اند. روحشان شاد...

"خدا را سپاس که ما ایرانی هستیم" ... سرزمین پر افتخار حافظها، فردوسیها، سعدیها و مولویها افتخار ما است، مال ما است.

تاج شاهنشاهی ایران، کورش بزرگ، جواهرات سلطنتی، طلاها، فیروزه‌ها، عقیق‌ها و ذخایر آن مملکت مال ما است، حق ما است و افتخار ما است. لباس‌های محلی، زبان شیرین فارسی، زیبایی و تلاوت موسیقی اصیل ایرانی که پایگذار موسیقی دنیاست، سرمایه تمدن دنیا که از ایران برخاسته است همه و همه مال ما است، افتخار ما است. ۲۵۰۰ سال تمدن ایرانی در خون من است و به آن افتخار میکنم و به هیچ فردی، ایرانی، غیر ایرانی، دیندار، بی دین اجازه نمیدهم این افتخار را از من بگیرد. با صدای بلند دلم میخواهد به گوش همگان برسانم من برای وطنم ایران، برای آن آب و خاک حاضرم بمیرم و با غرور و افتخار تپانچه دست گرفته از آن مملکت دفاع کنم، پشت به پشت و دست به دست هر ایرانی وطن پرست دیگر...

وطن برای هر شخص چون پدر و مادر و پشت آن شخص است. دیگران بسادگی میتوانند با گفتارشان، پندارشان و کردارشان ما را بی پدر و مادر و بی پشت و بی مملکت کنند.

بیاید برخیزیم یکی و یکتا شویم و اجازه و کالت به افرادی که چند دستگی را مابین ما ایرانیان تشویق می‌کنند ندهیم.

پس از سالیان در غربت زندگی کردن در نزد خودم فکر میکنم که چطور همگی ما دست در دست، پشت بر پشت ۲۵۰۰ سال در آن مملکت زندگی کرده‌ایم فراز و نشیب‌ها دیده‌ایم.

در طول ۲۵۰۰ سال که یکی دو روز نیست مسلم است زمان خوشی داشته‌ایم و زمان ناراحتی هم بوده است.

در طول تاریخ همگی ما باید با زجر و بدبختی، رنج و خوشی، فقر و بردستی، محدودیت و محرومیت و آزادی با زحمت و پشتکار ایرانمان را از چنگ دشمنان ایران ناجی بوده‌ایم، باز هم چنین و چنان میکنیم.

بهتر است فراموش نکنیم که در زمان حمله اعراب به ایران و تحمیل کردن این اعراب بر ما، چه افرادی بهای واقعی را پرداخته‌اند که‌ها و چه‌ها کشته شدند و چه مسیولیت سنگینی را بر دوش همگی ما ایرانیان نهفته‌اند تا همواره در پایداری این ایرانی کوشا باشیم. سپاس بر ایران و ایرانی. ما همه هموطن، هم پشت و یکی هستیم.

شهری و شهرستانی، زبان و مذهب، فرقه و گروه‌های مختلف دست اندر دست، بیدار و آگاه هستیم، افراد و گروه‌هایی که مخالفت در بین ما ایرانیان را تشویق میکنند و متاسفانه اثرات و اشتباهات یک فرد بی‌گمان در شکل ناخودآگاه به هزاران هزار فرد ایرانی دیگر منتقل گشته و بگونه‌ای منجر به دسته بندی‌های شرم‌آوری شده‌است که ان هم باید گفت که بلکه هم "از ماست که بر ماست".

اتحاد ما ایرانیان بستگی مستقیم به خود ما ایرانیان اعم از زرتشتی، موسوی، عیسوی و مسلمان دارد که با فرهنگ ایران متحد شویم نه با مذهب و دسته بندی‌های گوناگون و مشکلات عدم اتحاد ما ایرانیان به هیچوجه مربوط به مذهب نیست و نباید باشد.

مولوی چنین میگوید:

همزبان محرمی خود دیگر است                      همدلی از هم‌زبانی خوشتر است

باشد که درون و برون از ایران بخاطر بیاوریم و گرایش خود را به ایین پاک پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک اعلام کرده و افتخارات ایران و ایرانی را بازپس بگیریم.

نوشته از خانم ویدا حکیمی با همکاری عضو ارشد سازمان.  
سازمان جوانان خواهان شاهنشاهی ایران.

[www.oyicm.org](http://www.oyicm.org)